



## هفته دفاع مقدس گرامی باد

شماره ۲۲۲

# آینجا

روزنامه مقيم

معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه / مدیریت انتشارات - شهریور ۱۴۰۰

### تقریظ رهبر انقلاب بر کتب دفاع مقدس

رهبر انقلاب به دلیل اهمیت موضوع فرهنگ مقاومت و علاقه شخصی شان به این بخش برای کتابهای زیادی در رابطه با دفاع مقدس تقریظ نوشته‌اند. رهبر انقلاب هر کتابی را مورد توجه قرار نمی‌دهند و علاوه بر اهمیت موضوع کتاب اثری شانس نوشتن تقریظ ایشان را ندارد که در زمینه‌های مورد علاقه رهبر انقلاب نگارش شده باشد به همین دلیل هم می‌بینیم کتاب‌های حوزه دفاع مقدس و فرهنگ مقاومت تاکنون بیشترین اقبال را از سوی ایشان برای نگارش تقریظها داشته‌اند. این موضوع را می‌توان در وهله اول به این خاطر دانست که رهبر انقلاب موضوع دفاع مقدس و جلوگیری از فراموشی آن را بسیار با اهمیت می‌دانند و از سوی دیگر در رفتار و سکنات رهبر معظم با خانواده‌های شهیدا و ایثارگر هم معلوم است که ایشان علاقه قلبی به این قشر از جامعه دارند و طبیعی است آثاری در همین رابطه هم بیشتر مورد توجه ایشان قرار می‌گیرد. عنوان برخی از این کتابها بدین قرار است: وقتی مهتاب گم شد؛ آب هرگز نمی‌میرد؛ در کمین گل سرخ؛ بابا نظر؛ پایی که جا ماند؛ تپه‌های لاله سرخ؛ جشن جانبازان؛ خلافاظ کرخه؛ دا؛ دشت شقایق‌ها؛ سفر به قلعه‌ها؛ ضربت متقابل؛ مدال و مرخصی؛ نورالدین پسر ایران؛ همبای صاعقه؛ یادداشت‌های خرمشهر؛ خاک‌های نرم کوشک؛ عباس دست طلا؛ سرباز کوچک امام؛ آن بیست و سه نفر؛ دختر شینا؛ آتش به اختیار؛ پا به پای باران؛ زنده‌باد کمیل؛ فرمانده من؛ لشکر خوبان؛ حماسه‌هوپزه؛ فرنگیس و...

### جبهه، دانشگاه معنوی

جبهه مکانی است که قدم نهادن در آن، لیاقت و سعادت می‌خواهد و نصیب همه نمی‌شود، ولی آنان که مورد توجهات خاص خانوادگی قرار می‌گیرند، این مکان عزیز را می‌یابند، آن چنان که در توصیفش می‌گویند: «وقتی جبهه نیستم، مثل این است که یک چیزی گم کرده‌ام». یا دیگری چه زیبا گفته است که: «جبهه، دانشگاهی است که مدرک آن پاک بودن، خلوص نیت و صبر و تحمل است. جنگ بهترین فرصت برای آزمایش کردن ملت اسلامی و به ثمر رساندن انقلاب اسلامی است. زمان خودسازی و زمان آزمایش و امتحان واقعی، در جنگ است...»

### دفاع مقدس در کلام امام خامنه‌ای

#### گنج جنگ

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مسأله دفاع مقدس و آنچه در این دوران بروز کرد، یک مسأله عادی نیست؛ برای همه ملتها این‌طور است؛ در مورد ملت ما به دلایل گوناگون بیشتر از دیگران است؛ لذا این را نمی‌شود جزو روال عادی زندگی ملتها به حساب آورد. دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد و نشان داد.

۱۳۸۴/۰۶/۳۱



### معرفی فرماندهان شهید

#### شهید غلامحسین افشردی (حسن باقری):

در ۲۵ اسفند سال ۱۳۳۴ در حوالی میدان خراسان تهران چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۴ پس از اخذ دیپلم ریاضی، در رشته دامپروری دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه تحصیلات عالی خود را آغاز کرد. وی به عنوان یک عنصر مذهبی و فعال حساسیت مسئولان و



گارد دانشگاه را برانگیخته بود. در نهایت به دلیل این فعالیت‌ها پس از یک سال و نیم تحصیل، از دانشگاه اخراج شد. شهید باقری در اسفند سال ۱۳۵۶ به خدمت سربازی اعزام و پس از طی دوره آموزشی در پادگان جلدیان نقره، به ایلام منتقل شد. به هنگام تشریف فرمایی حضرت امام خمینی (ره) به میهن اسلامی، در کمیته استقبال فعالیت چشمگیری داشت و به دلیل برخورداری از آموزش نظامی، به همراه سایر اعضای خانواده دوستانش در تصرف کلاتری ۱۴ و پادگان عشرت آباد (ولی عصر (عج) کنونی) در تهران نقش بارزی داشت. شهید باقری اوایل سال ۱۳۵۹ به عضویت سپاه در آمد. ابتدا در واحد اطلاعات مشغول به خدمت شد و در این واحد بود که نام مستعار «حسن باقری» برای ایشان در نظر گرفته شد. برخی از مسئولیت‌های وی در دوران دفاع مقدس عبارتند از: معاونت ستاد عملیات جنوب، فرمانده محور دارخوین در عملیات ثامن الائمه معاونت فرماندهی عملیات طریق القدس، فرماندهی قرارگاه نصر در عملیات‌های فتح المبین، بیت المقدس و رمضان، فرماندهی قرارگاه کربلا و جانشین فرماندهی کل در قرارگاه‌های جنوب. آخرین مسوولیتی که به وی واگذار شد، جانشین فرماندهی یگان زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. سرانجام در ۹ بهمن ۱۳۶۱ خورشیدی هنگامی که دوستان حسن برای دیدار امام به تهران آمده بودند، او و چند تن دیگر برای شناسایی محور عملیاتی والفجر در فکه و جزایه به منطقه رفتند و در این شناسایی به شهادت رسیدند. محل دفن وی، قطعه ۲۴ گلزار شهدای بهشت زهرا است.

## معرفی کتاب (وقتی مهتاب گم شد)

کتاب وقتی مهتاب گم شد تألیف حمید حسام شرح زندگی سردار شهید علی خوش لفظا و روایتی عینی از یک واقعه تاریخی است که موجب شد سرنوشت خیل وسیعی از مردمان ایران تغییر کند. وقتی مهتاب گم شد قصه نیست، داستانی نیست و اسطوره سازی هم نیست، بلکه واقعیتی است شبیه اساطیر، واقعیت زندگی و رزم مردی که «خود واقعی اش» را در «شبی که مهتاب گم شد»، پیدا کرد. علی خوش لفظا یک قهرمان ملی است. این را زخم های نشمرده ای که از او «علی خوش زخم» ساخته گواهی می دهد. علی خوش زخم، نیازی به مدال ملی شجاعت ندارد. بچه بازیگوش محله «شتر گلوی همدان»، که روزگاری از دیوار راست بالا می رفت، پس از یازده بار مجروحیت با تیر و ترکش و موج و شیمیایی، حالا نمی تواند روی تخت بیمارستان بنشیند. تیر کالیبر تانک در آوردگاه شلمچه و کربلای ۵، پس از ۲۶ سال، همسایه نخاع اوست. سردار شهید علی خوش لفظا پس از سال ها تحمل درد و رنج ناشی از مجروحیت و صبر در برابر بوری یاران و دوستان، ۲۹ آذر ماه سال ۱۳۹۶ آسمانی شد و به کاروان عظیم شهدا پیوست. او به تعبیر همزمانش «علی خوش رفیق» بود.



### اولین حمله چریکی



بعد از حمله ناجوانمردانه ارتش صدام به مرزهای ایران و یورش سریع آن ها به شهرها، روستاها و مردم بی دفاع، شهید مصطفی چمران نتوانست آرام بگیرد و به خدمت امام امت رسید و با اجازه ایشان به همراه حضرت آیت الله خامنه ای، نماینده دیگر امام در شورای عالی دفاع و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، به اهواز رفت، از آنجایی که او همیشه خود را در گرداب خطر می افکند و هراسی از مرگ نداشت، از همان بدو ورود دست به کار شد و در آن شب، اولین حمله چریکی را علیه تانک های دشمن

### امدادگر

بار اولم بود که مجروح می شدم و زیاد بی تاب می کردم یکی از برادران امدادگر بالاخره آمد بالای سرم و با خونسردی گفت: چیه، چه خبره؟ تو که چیزیت نشده بایا! تو الان باید به بچه های دیگر هم روحیه بدهی آن وقت داری گریه می کنی؟! تو فقط یک پایت قطع شده! ببین بغل دستی است سر نداره هیچی هم نمی گه، این را که گفت بی اختیار برگشتم و چشمم افتاد به بنده خدایی که شهید شده بود! بعد توی همان حال که درد مجال نفس کشیدن هم نمی داد کلی خندیدم و با خودم گفتم عجب عتیقه هایی هستند این امدادگرا.



### با التماس

هم قد گلوله توپ بود گفتن: چه جوری اومدی اینجا؟ گفت: با التماس! گفتن: چه جوری گلوله رو بلند می کنی میاری؟ گفت: با التماس! به شوخی گفتن می دونی آدم چه جوری شهید می شه؟ لبخندی زد و گفت: با التماس! وقتی تکه های بدنشو جمع می کردن، فهمیدم چقدر التماس کرده!!!  
...  
به قول دوستی، شهید خودش را لایق می کند فقط طلب نمی کند.  
ان شاءالله که لایق شهادت شویم

### خیانت به دفاع مقدس

دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در مقابل ارتش بعث نقطه عطفی در تاریخ کشورمان است، دفاعی که در آن همه مردم پای کار آمدند؛ هر چند در این میان عده ای نیز با خیانت هایشان در داخل نمک به زخم مردم می پاشیدند و از درون جنگی بزرگ به راه انداختند، مثل بنی صدر و نار و دسته اش. ابوالحسن بنی صدر فردی بود که در هیچ کجای تاریخ از او سابقه انقلابی گری ثبت نشده است و تنها در زمان حضور امام خمینی (ره) در

پاریس به ایشان پیوست البته بعدها مشخص شد که وی و افرادی مانند صادق قطب زاده و مسعود رجوی فقط و فقط با هدف انحراف در مسیر انقلاب ملت ایران و از طریق آمریکایی ها به جمع یاران امام خمینی (ره) پیوستند در اسناد لانه جاسوسی آمریکا هم اسنادی مبنی بر ارتباط بنی صدر با سفارت آمریکا در قبل و بعد از انقلاب بیرون آمد بنی صدر علی رغم آن که از پشتوانه رأی مردم برای ریاست جمهوری برخوردار بود به دلیل ماهیت غرب گرای که داشت هیچ گاه نتوانست در مقام و مسئولیتی که به او سپرده شد به نفع مردم و کشور عمل کند وی معتقد بود جنگ را باید به روش دیپلماتیک حل کرد اصلاً انگار نه انگار که بعضی ها با تانک و هواپیما و توپ و لشکرهای پیاده و زرهی ریخته اند داخل ایران، یکی از استراتژی های خیانت بار «بنی صدر» این بود که باید خرمشهر و آبادان را بدیم به دشمن! اقدامات نظامی ابوالحسن بنی صدر در جریان ریاست جمهوری اش در کنار اقدامات غیر نظامی او مثل رفاقت بی چون و چرا با منافقین و در افتادن با مردم و انقلابیان، مثل بی توجهی به هشدارهای آغاز جنگ، دست کم گرفتن فرماندهان جنگ، ندانستن تعصب و غیرت بر روی خاک وطن، جدی نگرفتن مردم و نیروهای مردمی مثل سپاه پاسداران و بسیج، عدم تحویل اسلحه به نیروهای مردمی و سپاه همه بیانگر خیانت های او در حساس ترین برهه انقلاب اسلامی است؛ خیانت هایی که کمترین پاسخ به آن عزل از سمت فرماندهی نیروهای مسلح کشور بود زیرا اگر لایحه پیدا می کرد؛ می توانست شدیدترین ضربه ها را به انقلاب اسلامی ایران وارد کند و حتی سرنوشت جنگ را جور دیگری رقم بزند.